

توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کارایران

اردیبهشت ماه ۱۳۹۳ مه ۲۰۱۴

شماره ۹۴

toufan@toufan.org www.toufan.org

بیانیه حزب کارایران (توفان) به مناسبت فرارسیدن روز جهانی کارگر

زنده باد اول ماه مه بشارت دهنده بهار رهائی کارگران



اطلاعیه حزب کارایران (توفان):

هجوم وحشیانه مزدوران رژیم به زندانیان در بند اوین را قویا محکوم می کنیم

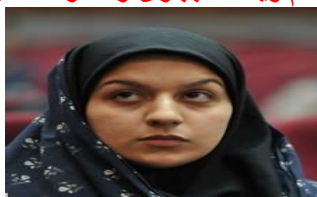
فراخوان بین المللی حزب کار ایران (توفان):

جان فعال کارگری شاهرخ زمانی در خطر است!



اوج توحش و بربریت قرون وسطانی

اعدام ریحانه جباری را متوقف کنید



انتخابات افغانستان، انتخاباتی استعماری و غیرمشروع

کدام انقلاب اوکراین؟

گرباچف ضد کمونیست ادامه دهنده مشی ضد کمونیستی خروشچف

دخالت و قیجانه در سوریه و اهمیت مبارزه با امپریالیسم

رضا پهلوی عامل امپریالیسم

باز هم سخنی در مورد ماهیت سازمان پلیسی "پیشگامان آزادی ملت ایران"

زنده باد اول ماه مه بشارت دهنده بهارهای کارگران

گرتودوروی ندهی تن به کار یکسره نابود شود روزگار

رفقای کارگر!

اول ماه مه، روزاتحادوهمبستگی کارگران سراسر جهان درشرایطی فرا می رسد که امپریالیست آمریکا با اتخاذ سیاست تجاوزبه کشورها، با و یا بدون موافقت شورای امنیت سازمان ملل و حتی علیرغم مخالفت اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان، وضعیت جدیدی در جهان ایجاد کرده که یادآور دوران استعمار کهن است. امپریالیسم نه حق خود تعیینی ملل را برسمیت می شناسد، نه استقلال کشورها را می پذیرد و نه برای تمامیت ارضی آنها ارزش قایل است. امپریالیستها هیچ توافق بین المللی را که بر ضد منافع و یا محدود کننده منافع خود تشخیصی دهند به رسمیت نمی شناسند. آنها کشورها را اشغال می کنند، به حریم فضائی کشورها تجاوز کرده مانند راهزنان و جنایتکاران به ترور افراد غیر نظامی پرداخته و به کسی پاسخگو نیستند. آنها می خواهند مصوبات کنگره آمریکا یعنی سامان قضائی خویش را به همه کشورهای جهان تحمیل می کنند. تمام سامان اداری پرداختها و تبادلات ارزی را در تحت کنترل خود درآورده اند تا به ممالک جهان زور بگویند. هم اکنون عراق، افغانستان، سوریه، لیبی، فلسطین... از قربانیان این سیاست ضد بشری محسوب می شوند.

رفقای کارگر!

بحرانی که امروز در اوکراین بوجود آمده ریشه در توسعه نفوذ امپریالیسم غرب در جای پای ابرقدرت شوروی سابق دارد. آنها در پی محاصره روسیه از نظر نظامی و توسعه دامنه نفوذ پیمان تجاوزکارانه ناتو هستند و می خواهند با فشار اقتصادی و نظامی به منابع عظیم ثروت دست نخورده سرزمین روسیه و محاصره چین دست پیدا کنند. امپریالیسم روس نیز به این سادگی به زیر بار خطری که در آستانه مسکو قرار دارد نمی رود و با اتحادیه گمرکی خود در مقابل قرارداد مناطق آزاد تجاری غرب و سازمان تجارت جهانی ایستادگی می کند. امپریالیسم غرب در شرایط امروز جهانی امپریالیسم مهاجم و خطرناک برای تهدید صلح درجهان است و بر همه کارگران و خلفهای جهان است که بر این آدمخواران بین المللی که برادرتی تروریسم و فاشیسم اند، دهنه بزنند. در غیر صورت ما شاهد جنگهای خونینی خواهیم بود که کارگران و زحمتکشان چیزی جز ویرانی و مصیبت بیشتر نصیب شان نخواهد شد. مبارزه ای که امروز در جهان در گرفته است مبارزه خلفها و کشورها بر ضد امپریالیسم جهانی است که برصهیونیسم و تروریسم اتکاء دارد.

رفقای کارگر!

روی کار آمدن حسن روحانی که محصول یک مهندسی حساب شده از بالاست هیچ دردی از هزاران درد و مشقت کارگران و زحمتکشان را دوا نخواهد کرد. درمیهن ما ایران فقط هواداران رژیم از همه "حقوق دموکراتیک" برخوردارند و سایر نیروهای منتقد چه ملی، لیبرال، مذهبی، سوسیال دموکرات، کمونیست، اتحادیه های کارگری و صنفی و... نه تنها فاقد هر گونه آزادی و حقوق دموکراتیک هستند، از هیچ امنیتی نیز برخوردار نیستند. رژیم جمهوری اسلامی یا آنها را ترور می کند، به زندان می اندازد و یا اعدام می نماید. جمهوری اسلامی در اثر فشارهای خارجی و نارضائی داخلی به علت فشارهای ناشی از تحریم، بیکاری، گرانی، فساد و دزدی و... مجبور به تسلیم شده است. رژیمی که از مردمش بیش از امپریالیسم بترسد راه دیگری جز تسلیم در مقابل فشارهای امپریالیسم ندارد. رژیمی که قادر نباشد مبارزه با دشمن خارجی را با تکیه بر مردم کشورش به پیش ببرد محکوم به شکست است. ولی برای جلب مردم باید حقوق قانونی آنها را برسمیت شناخت و به آنها امکان فعالیت و بیان نظریات خویش را داد. این امری است که در ایران انجام نمی شود.

مذاکرات سری آمریکا با رژیم جمهوری اسلامی از زمان احمدی نژاد، یعنی از اوایل سال ۲۰۱۱ شروع شده است و ربطی به انتخابات روحانی ندارد. این توافقات سری تنها بر سر مسئله هسته ای نیست، بر سر یک بسته پیشنهادی است که شامل سیاست خارجی ایران در منطقه و جهان، ایجاد شرایط پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی و پذیرفتن پیشنهادات اسارت آور بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی، لیبرالیزه کردن کل اقتصاد ایران با تکیه بر نظم زدائی، خصوصی سازی منابع ملی، حذف یارانه های دولتی، حذف همه خدمات اجتماعی و پرورش طبقه ای نیازمند نان در جامعه ایران است که حاضر باشد در بدترین شرایط تحمیلی، برای سرمایه های امپریالیستی که به ایران سرازیر می شوند، کار کند. رژیم "کلید و تدبیر" حسن روحانی شرایط را برای اسارت ایران فراهم می کند. این تحمیل و فشار نیازمند سرکوب طبقه کارگرو مردم ایران است. آقای روحانی فقط اصلاحاتی انجام می دهد که پای سرمایه گذاری امپریالیستی را به ایران باز کند و بیانیه بانک جهانی را بپذیرد. این گونه اصلاحات، نظر آمریکا را نیز تامین می کند. لیکن این نوع اصلاحات، برسمیت شناختن حقوق دموکراتیک مردم را در بر نمی گیرد.

حزب کار ایران (توفان) دستگیریهای خودسرانه و سرکوب فعالین و رهبران اتحادیه های کارگری را به شدت محکوم میکند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط همه فعالین کارگری از زندان است.

حزب کار ایران (توفان) از مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران که هرگز از پای ننشسته اند و علیه خصوصی سازی، اخراج دسته جمعی و برای دریافت حقوق معوقه و اضافه دستمزد و برای تشکیل سندیکای مستقل میرزمند، قاطعانه دفاع می نماید و به همه کارگران قهرمان ایران درود می فرستد.

رفقای کارگر!

چاره شما کارگران و همه زحمتکشان **وحدت و تشکیلات** است. تنها از طریق اتحاد و پیکارهای بی امان بر علیه کاپیتالیسم و امپریالیسم جهانی و تنها از طریق انقلاب و راهی که لنینیسم نشان میدهد می توان قدرت سیاسی را به کف گرفت و آینده تابناک بشری را با دستان پرتوان خود رقم زد.

برای رهایی از جنگهای خونین و غارتگرانه و نابودی سلاحهای اتمی و کشتار جمعی برای تحقق حقوق بشر واقعی و رهایی از استثمار، فقر و بیکاری و فلاکت اقتصادی، راهی بجز انقلاب سوسیالیستی به رهبری حزب واحد طبقه کارگر موجود نیست و جز این نیز نمی باشد.

درود به طبقه کارگر قهرمان ایران!

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بدست کارگران و زحمتکشان ایران!

زنده باد سوسیالیسم این پرچم نجات بشریت!

حزب کار ایران (توفان)

اردیبهشت ماه ۱۳۹۳

www.toufan.org

toufan@toufan.org

فرخنده باد اول ماه مه ، روز جهانی کارگران !



ویژه اول ماه مه

حزب کار ایران (توفان)

اردیبهشت ۱۳۹۳

www.toufan.org

۱- اول ماه مه - روز تعطیلی کارگران ، لنین ، ۱۸۹۶.

۲- " زنده باد اول ماه مه " ، استالین ، ۱۹۱۲

۳- سخنرانی بمناسبت اول ماه مه ، استالین ، ۱۹۴۵

۴- "رهائی طبقه کارگر، کار خود طبقه کارگر است" و نقش حزب طبقه کارگر

مقاله ای در نقد اکونومیسم و نظرات ضد حزبی ، برگرفته از توفان شماره ۸۶ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶ ارگان مرکزی حزب کار ایران

۵- چرا باید کارگران روز اول ماه مه را جشن بگیرند

سخنرانی زنده یاد رفیق محمد حسن حسینی مسئول "شورای مؤسس اتحادیه های سراسری کارگران ایران اردیبهشت ۱۳۵۹

این ویژه نامه جداگانه پخش گردید و برای دریافت آن به تارنمای حزب کار ایران (توفان) رجوع کنید!

اعلامیه حزب کار ایران (توفان) هجوم وحشیانه مزدوران رژیم به زندانیان دربند اوین را قویا محکوم می کنیم



صبح روز پنجشنبه، ۲۸ فروردین، گروهی از ماموران اوباش لباس شخصی که از عوامل سازمان اطلاعات رژیم بودند، به صورت وحشیانه ای به قصد بازرسی به داخل بند ۳۵۰ زندان اوین، ریختند، و زندانیان را مورد ضرب و جرح قرار دادند. طبق گزارش سایت کلمه، "بر اثر تهاجم امروز صبح به بند ۳۵۰ اوین که توسط عوامل اطلاعات سپاه، وزارت اطلاعات و بیش از یکصد نفر از سربازان گارد سازمان زندانها صورت گرفت زندانیان بند ۳۵۰ با باتوم و ... مورد ضرب و جرح قرار گرفتند که بیش از سی تن از آنان مجروح و مضروب شدند و دستکم چهارتن از زندانیان سیاسی به دلیل خونریزی و شکستگی به بیمارستان خارج از زندان منتقل شده اند. سی و دو نفر نیز به پس از ضرب و جرح به افرادی منتقل شده اند. تهاجم امروز در پی اعتراض و مقاومت زندانیان در برابر برنامه خشن بازرسی به وقوع پیوست و بیش از پنج ساعت به طول انجامید. ماموران از کلیه عملیات خود فیلم و عکس تهیه کرده اند.

شدت برخورد و خونریزی در بند ۳۵۰ به حدی بود که در هنگام انتقال زندانیان مجروح به افرادی و بهداری زندان، مینی بوس حامل آنها خونین شد. همچنین محوطه هواخوری این بند نیز به خون زندانیان آغشته شد. پارگی رگ دست امید بهروزی، شکستگی دنده اسماعیل برزگری، شکستگی سر اکبر امینی، یک مورد حمله قلبی منجر به اعزام به سی سی یو، چندین مورد شکستگی و جراحات انگشتان دست و پا، جراحات و خونریزی صورت و آثار کبودی ناشی از باتوم بر روی بدن تعداد زیادی از زندانیان وجود دارد، از جمله آثار تهاجم پنجشنبه در بند ۳۵۰ است. براساس این گزارش، زندانیانی که به افرادی منتقل شده اند پس از انتقال از تونل سربازان باتوم به دست و ضرب و شتم شدید با دستبند و چشم بند به افرادی ۲۴۰ و یا مکان دیگری منتقل شده اند؛ از وضعیت سلامتی این افراد اطلاعی در دست نیست. بخشی از ضرب و جرح زندانیان که تنها رفتار اعتراضیشان سرودخوانی بود، در هواخوری بند و بخش دیگری نیز در اتاقها و سالن ها صورت گرفت. سربازان و لباس شخصی ها عمدتاً سر زندانیان را از بالای پله ها هدف باتوم قرار داده اند. سرهنگ امانیان مسول کل حفاظت زندانهای تهران و قبادی مسول حفاظت زندان اوین از نزدیک شاهد و آمر این رویداد بوده اند. عبدالفتاح سلطانی، محمد امین هادوی، سعید متین پور، بهنام ابراهیم زاده، بهزاد عرب گل، هوتن دولتی در میان ۳۲ انتقال یافته به افرادی هستند."

رژیم انسان ستیز جمهوری اسلامی در تاریخ جنایات خود نشان داده زندانیان سیاسی را گروگان خود می پندارد که هر زمان اراده کرد همانند رژیم خود فروخته و جنایتکار پهلوی می تواند کابوس مرگ را بر فراز زندان به پرواز در آورد و آنان را بصورت فردی و یا جمعی به قتل برساند. لیکن اراده مبارزین را با هیچ سلاحی و از همه مهمتر با سلاح شکنجه و قتل و هجوم بربرمنشانه نمی توان درهم شکست. در مبارزه امروز عده ای از پای در می آیند، فردا عده ای دیگر جای آنان را پر می کنند و نبرد تا پیروزی نهایی ادامه می یابد. رژیمی که پاسخ آزادی و بیان و اندیشه را با زندان، شکنجه و مرگ میدهد محکوم به نابودی است و جز این نیز نخواهد شد.

حزب کار ایران (توفان) این اقدام وحشیانه و فاشیستی رژیم را بشدت محکوم میکند و همگان را به اعتراض علیه این اقدام ضد انسانی فرا می خواند. باشد تا با افشای گسترده و بی امان رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و جلب افکار عمومی مردم آزاده و مترقی جهان نقش شایسته ای در حمایت از زندانیان سیاسی دربند و آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی زندانیان ایفا کنیم.

مرگ بر رژیم تبهکار سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!
حزب کار ایران (توفان)
جمعه ۲۹ فروردین ماه ۱۳۹۳

برای آزادی فوری و بی قید شرط تمامی زندانیان سیاسی بکوشیم

ترجمه متن فارسی فراخوان حزب کار ایران (توفان) به احزاب برادر و بیش از ۵۰ تشکل کارگری و دمکراتیک برای اعتراض به رژیم جمهوری اسلامی برای بد رفتاری با شاهرخ زمانی و دیگر فعالین کارگری. این بیانیه که به زبان انگلیسی تنظیم شده است به کنفرانس بین المللی احزاب و سازمانهای مارکسیست لنینیست ارسال گردیده و تا این تاریخ، سازمانها و احزاب مارکسیستی لنینیستی یونان، نروژ، دانمارک و ایتالیا و اسپانیا این بیانیه را در دفاع از شاهرخ زمانی و برای آزادی او و سایر زندانیان در بند در نشریات و وبلاگهای خود منتشر کرده و با کارگران ایران ابراز همبستگی نموده اند. متن زیر از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است.*

جان فعال کارگری شاهرخ زمانی در خطر است !

تمامی فعالین کارگری باید فوراً و بدون قید و شرط از زندانهای رژیم جمهوری اسلامی ایران آزاد شوند !

رفقای گرامی ،

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی ایران سرکوب فعالین کارگری و بویژه سرکوب شاهرخ زمانی را تشدید کرده است. شاهرخ زمانی، کارگر نقاش، فعال سندیکائی، عضو " هیات موسس سندیکای کارگران نقاش تهران و عضو " کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری " از تاریخ ۸ مارس ۲۰۱۴ تا کنون در اعتصاب غذا بسر میبرد. شاهرخ در ۷ ژوئن ۲۰۱۱ در تبریز بخاطر فعالیت های سندیکائی دستگیر شد. رژیم جمهوری اسلامی او را به ۱۰ سال زندان بجرم وابستگی به " گروه ضد نظام " و یک سال بجرم " تبلیغ علیه نظام " محکوم نمود. رژیم اسلامی ایران شاهرخ را از این زندان به آن زندان، تبریز، یزد، مجدداً تبریز، گوهر دشت، و اخیراً به زندان قزلحصار در شهر کرج منتقل میکند. شاهرخ زمانی در روز ۸ مارس ۲۰۱۴ و به حمایت از اعتراضات همکاران کارگر و دیگر فعالین کارگری در زندان گوهر دشت دست به اعتصاب غذا میزند. رژیم جمهوری اسلامی ایران در روز ۱۱ مارس او را به به زندان قزلحصار، زندانی که فقط مجرمین مواد مخدر در آن محبوس اند، منتقل میکند. شاهرخ در اعتراض به انتقال خود و به شرایط وحشتناک زندان قزلحصار به اعتصاب غذای خود ادامه میدهد. هم اکنون ۵ هفته از اعتصاب غذای شاهرخ میگذرد و او ۲۰ کیلو وزن کم کرده است. جان شاهرخ در خطر جدی است و رژیم جمهوری اسلامی هیچ توجهی به شرایط وخیم جسمی او نکرده است.

حزب کار ایران (توفان) بد رفتاری با شاهرخ زمانی و دستگیری و به بند کشیدن فعالین کارگری که برای مطالبات پایه ای و عادلانه خود مبارزه میکنند را شدیداً محکوم مینماید. ما یکبار دیگر نفرت و انزجار خود را نسبت به رژیم سرمایه داری و ضد مردمی جمهوری اسلامی ابراز می داریم.

کارگران حق دارند که برای حقوقی که از آن محروم شده اند مبارزه کنند و تشکلهای مستقل خود را ایجاد نمایند. هرکوشی که فعالیت مشروع طبقه کارگر را جلوگیری نماید باید توسط تمامی مزدبگیران و نیروهای مترقی ایرانی و بین المللی محکوم شود. **حزب کار ایران (توفان)** رژیم جمهوری اسلامی را مسئول سلامتی شاهرخ زمانی و دیگر فعالین کارگری میدانند. سرکوب تودهای مردم توسط رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی هم به سود استثمارگران و چپاولگران ایرانی و هم به نفع امپریالیستها و جنگ افروزان بین المللی است که با تحریم های اقتصادی خود شرایط زندگی مردم ایران را وخیمتر کرده اند.

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران از ایجاد تشکل های مستقل کارگری و اتحاد و همبستگی اقشار دیگر جامعه با کارگران هراسان است. بهمین خاطر، رژیم سعی میکند که هر نوع کوشش برای ایجاد تشکل های کارگری مستقل و دمکراتیک را خفه کند. بدنبال همین سیاست است که رژیم جمهوری اسلامی فعالین کارگری رضا شهابی، محمد جراحی، ابراهیم زاده و دیگران را چندین سال است که آزار و شکنجه داده و آنها را زندانی نموده است.

حزب کار ایران (توفان) از مبارزات عادلانه فعالین کارگری برای ایجاد شرایط بهتر دفاع میکند و کوشش آنها برای تشکیل سندیکای کارگری را تحسین مینماید. ما همه احزاب و سازمانهای برادر، فعالین کارگری و تشکل ها و افراد مترقی جهان را فرا میخوانیم که همبستگی خود را با مبارزات کارگران ایران بیان کنند. مردم جهان باید نفرت و انزجار خود را از رژیم جمهوری اسلامی برای بد رفتاری و سرکوب و زندانی نمودن مردم و فعالین کارگری ایران ابراز دارند و از رژیم بخواهند که شاهرخ زمانی و فعالین کارگری و زندانیان سیاسی را بدون قید و شرط آزاد نمایند. فقط تشدید مبارزات زحمتکشان ایران و حمایت واقعی بین المللی است که میتواند رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را به عقب نشینی وادارد و سرکوب توده ها را متوقف سازد.

شاهرخ زمانی و دیگر فعالین کارگری را فوراً و بدون قید و شرط آزاد کنید !

زنده باد مبارزه کارگران ایران !

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران !

حزب کار ایران (توفان)

۱۳ آوریل ۲۰۱۴

www.Toufan.org

اوج توحش و بربریت قرون وسطائی اعدام ریحانه جباری را متوقف کنید!



«ریحانه جباری دختر ۲۶ ساله‌ای است که به اتهام قتل عمد در آستانه اعدام قرار دارد. او در تمام جلسات گفته که قتل در دفاع از خود در برابر تجاوز جنسی صورت گرفته است. وکیل ریحانه تنها راه نجات او را بخشش خانواده مقتول می‌داند.

ریحانه جباری، متولد ۱۳۶۶، طراح دکوراسیون داخلی یک شرکت تبلیغاتی و دکوراسیون، ۲۰ ساله بود که به طور اتفاقی با شخصی به نام "مرتضی سربندی"، پزشک ۴۷ ساله، متأهل، دارای سه فرزند و کارمند سابق وزارت اطلاعات آشنا شد. آشنایی سربندی با ریحانه بر اساس شنیدن مکالمه تلفنی ریحانه در یک بستنی فروشی از سوی سربندی آغاز شد. در این مکالمه، ریحانه به شغلش اشاره می‌کند و سربندی که گویا به دنبال یک طراح دکوراسیون برای مطب جدیدش بوده، پس از شنیدن این مکالمه تلفنی، باب آشنایی با ریحانه را باز می‌کند.

دیدار بعدی اما منجر به قتل سربندی توسط ریحانه می‌شود. بر اساس گزارش‌های دادگاه، روز قرار، سربندی ریحانه را در جایی نزدیک محل قرار سوار خودروی خود می‌کند و قبل از رسیدن به محل نیز جلوی یک داروخانه توقف کرده و مقداری جنس می‌خرد که بعداً معلوم می‌شود کاندوم بوده است. یکی از دو لیوان آب میوه‌ای هم که روی میز محل قرار بوده، حاوی داروی خواب‌آور بوده است. به گفته عبدالصمد خرمشاهی، وکیل ریحانه جباری، همه این‌ها دلایلی برای قصد قبلی تجاوز از سوی سربندی بوده‌اند. «رادیو صدای فارسی زبان آلمان-دویچه وله

رژیم جمهوری اسلامی که از همه سو خود را تحت محاصره و خطر می‌بیند میکوشد با کثیفترین و ضد انسانی‌ترین شیوه‌های ممکن، با سرکوب مبارزات کارگران، دستگیری و محاکمه رهبران اتحادیه‌های کارگری، سرکوب مبارزات دانشجویان، برگذاری دادگاه‌های نمایشی، قلع و قمع باقیمانده مطبوعات، تشدید فشار به زندانیان سیاسی و سرکوب وحشیانه اعتصاب غذای آنها..... و برمسند قدرت تکیه زند و چند صباحی بر طول عمر نکبت‌بارش بیافزاید. معلوم نیست که این حضرات چند سرنوشت مشابه خویش را باید شاهد باشند تا پا به فرار بگذارند. سرکوب همیشه نشانه ضعف و هراس رژیم است و نه نشانه قدرت. رژیم می‌داند که به اسلحه تهدید و زور متوسل می‌گردد به خط آخر رسیده است و راه دیگری برای بقای خویش نمی‌بیند.

حمله به زنان که در صف مقدم مبارزه قرار داشته و دارند آن دیوار کوتاهی است که رژیم قصد دارد زهر چشم خویش را نشان دهد. ریحانه جباری، زنی که در دفاع از خویش و در مقابل تجاوز جنسی عمل نموده است امروز در آستانه اعدام قرار دارد. چنین قوانین ضد بشری و قرون وسطایی نشان از خشم و عصبیت و انتقام‌گیری از زنان ایران است که در صف نخست پیکار علیه دستگاه ظلم و زور نظام جابرانه اسلامی قرار دارند. رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی با نیت ایجاد ترس در مردم بویژه زنان مبارز ایران می‌خواهد جلوی اعتراضات آنها را بگیرد. اعدام‌های مشابه در گذشته و اجرای قانون قصاص برای ایجاد رعب و هراس در جامعه است، برای حفظ سلطه بورژوازی دلال و نظام سرمایه داری ایران صورت گرفته و می‌گیرد. مسلماً چنین احکام اعدامی با «هرکلید تدبیر و نرمش قهرمانانه‌ای» که باشد آخرین آن نخواهد بود. تنها با اعدام رژیم سرمایه داری و فاشیستی جمهوری اسلامی بدست توانای مردم ایران است که می‌توان به این توحش و بربریت قرون وسطایی پایان داد.

نقل از فیسبوک توفان

سخن هفته

www.toufan.org

۱۳ فروردین ماه ۱۳۹۲

لغو قانون ضد بشری قصاص و تمام قوانین ارتجاعی اسلامی خواست همه مردم آزاده ایران است

انتخابات افغانستان، انتخاباتی استعماری و غیرمشروع



اشغال افغانستان که ۱۳ سال از آن میگذرد ربطی به "دموکراسی، آزادی زن، تمدن و مدرنیسم و یا سکولاریسم" ... نداشته است. اما دلایل اصلی تجاوز نظامی به افغانستان را باید در اهمیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک آن در منطقه دید. افغانستان در قسمت شرقی دارای مرز مشترک با پاکستان و در بخش غربی با ایران است. از سویی نزدیکی مرزی با کشور چین و ارتباط با جمهوریهای نفت خیز سابق شوروی اهمیت استراتژیک افغانستان را دو چندان میکند. بیش از یک پنجم نفت جهان برابر با ۲۷۰ میلیارد بشکه ذخیره نفتی در کشورهای اطراف دریای خزر قرار دارد.

در همین منطقه قریب به یک هشتم گاز طبیعی جهان موجود است. از این رو باید اشغال افغانستان را در کادر ایجاد پایگاههای نظامی در این کشور و کنترل مواد خام در جمهوریهای آسیای مرکزی و محاصره روسیه، چین و ایران مورد ارزیابی قرار داد. اشغال افغانستان به منظور کنترل منابع نفتی و گازی در آسیای مرکزی و اعمال هژمونی بر سایر رقبای تازه نفس امپریالیستی صورت گرفت. موضوع اوسامه بن لادن و یا رژیم پس مانده طالبان و مبارزه علیه تروریسم و ستم برزن در افغانستان وسیله ای برای فریب افکار عمومی بوده است. کیست که نداند بن لادن و ملا عمر طالبان بیش از دو دهه متحدین طبیعی آمریکا بودند و پنتاگون برای جابجایی قدرت در افغانستان و بر مسند قدرت نشاندن طالبان میلیاردها دلار هزینه کرد و با نفوذ در جنبش استقلال طلبانه افغانستان از سیاه ترین و ارتجاعی ترین نیروهای آدمخوار دفاع نمود. اکنون کشور افغانستان همچنان تحت اشغال قوای امپریالیستی است. تضاد عمده کنونی در افغانستان تضاد میان خلق و نیروهای متجاوز است. حل سایر تضادها در جامعه درگرو حل تضاد عمده یعنی بیرون راندن نیروهای استعماری از خاک کشور است. محوری ترین شعار خلق افغانستان شعار خروج فوری و بی قید و شرط تمامی اشغالگران از خاک کشور و پرداخت غرامت به خلق افغانستان است. از این رو تا زمانیکه نیروهای متجاوز و مزدورانش در مسند قدرت هستند انتخابات مستقل ملی و دموکراتیک موضوعیت نخواهد داشت و باید تحریم گردد. امروز تمام سلاح باید بسوی نیروهای متجاوز نشانه روند. تنها در این روند سیاسی است که می توان تمام خلق را علیه امپریالیسم و توطئه های استعماری بسیج کرد، توده را از زیر نفوذ نیروهای ارتجاعی نظیر طالبان و امثالهم خارج نمود و انقلاب ملی دموکراتیک را به سرانجام رسانید. خلق افغانستان آرام نخواهد گرفت و توطئه جدید امپریالیستها و زد و بند با جناحی از طالبان خلی دراراده این ملت سخت کوش و استقلال طلب برای رهایی از استعمار وارد نخواهد کرد. شکست و ناکامی از آن امپریالیستهاست.

حزب ما انتخابات قلابی در افغانستان تحت اشغال امپریالیست آمریکا را شدیداً محکوم میکند.
با حضور اشغالگران مسلح امپریالیستی در خاک افغانستان انتخابات آزاد مستقل بی معناست. خلق شجاع افغانستان نیز راه دیگری جز ادامه و پیشبرد دراز مدت مقاومت مسلحانه و اعتراضات عمومی برای بیرون ریختن تمامی متجاوزین از خاک کشور نخواهند داشت.

پیروزی و سربلندی از آن خلق شجاع افغانستان است!
ما خواهان خروج فوری و بی قید و شرط تمامی اشغالگران از خاک افغانستان و پرداخت غرامت به خلق افغانستان هستیم.
زنده همبستگی باد خلق قهرمان افغانستان!

حزب کار ایران (توفان)

۱۴ فروردین ۱۳۹۳

محکوم باد تجاوز نظامی به افغانستان و حق تعیین سرنوشت بدست خود مردم افغانستان در قالب شعار دستها از افغانستان کوتاه باد! شعار محوری نیروهای ضد جنگ و کمونیست و انقلابی و همه مردم صلحدوست جهان در آستانه تجاوز نظامی آمریکا به افغانستان بود. منصور حکمت (ژوبین رازانی) رهبر حزب پرو صهیونیستی و امپریالیستی "حزب کمونیست کارگری" تجاوز آمریکا به افغانستان را وقیحانه مثبت ارزیابی نمود و به عنوان مزدور و بلندگوی پیمان نظامی ناتو علیه نیروهای انقلابی و چپ و ضد اشغال دست به خرابکاری زد. "حزب کمونیست کارگری ایران" عامل امپریالیسم و صهیونیسم در ایران و منطقه است، این جریان فاسد و وابسته را افشا و طرد کنید.

کدام انقلاب اوکراین؟

گلچینی از صفحه فیسبوک توفان



تصویری از تظاهرات نئو فاشیستهای اوکراینی که مورد حمایت مالی و معنوی اروپا و آمریکا قرار گرفته است

در بحثی که پیرامون مقاله تحلیلی حزب کار ایران (توفان) در مورد بحران اوکراین و آموزش از آن در فیسبوک حزب در گرفت، عده ای با همان با ابزار زنگ زده شبه ترنسکیستی به میدان آمده و با یک چرخش قلم و شعار علیه همه "امپریالیستها و همه دشمنان ریز و درشت مردم" به مسئله اوکراین پاسخ گفتند!! "نه به روسیه، نه به چین، نه به اروپا و نه به آمریکا...، زنده باد پیکار توده ها شعارشان هست. این عده که برخی از آنها از فرقه حزب مالیخولیای آوکیانیسم و برخی دیگر از فرقه حکمتیه تقوائیسم هستند به رغم گوناگونیهای ظاهری اما در بسیاری موارد از جمله نفی امپریالیسم و تضادهای درونی آن، سرنگونی رژیم اسلامی در پارکابی امپریالیسم، نفی جنبش فلسطین، لبنان و عراق و افغانستان و مخالفت با شعار خروج فوری و بی قید و شرط نیروهای امپریالیستی از خاک این کشور ها... با یکدیگر هم نظرند و اختلافی بینشان نمی بینید.

مسئله ملی در عصر امپریالیسم برایشان موضوعیتی ندارد و تاکتیک لنینی در برخورد با دشمنان عمده و غیر عمد پراولتاریا و توده مردم محلی از اعراب نخواهد داشت. شعارهای این فرقه ها همه در قالب "جبهه موهومی سوم" صورت گرفته و می گیرد که جز افتضاح به بار نیآورده است. این فرقه ها چندی است به زیر پرچم ایران تریبونال امپریالیستی خزیدند و بدان افتخار هم میکنند، زیرا تمرینی برای تدارک بر انداختن رژیم جمهوری اسلامی و محاکمه آن در یک دادگاه امپریالیستی است. همان دادگاهی که در بغداد صدام حسین را نیز محاکمه و به دار آویختند و یا میلو سویچ رئیس جمهور قانونی یوگسلاوی را ربوده و در دادگاه دست ساخته خود محاکمه و به قتل رساندند. همان دمکراسی که در عراق به ارمان آمده و عده ای خود فروخته سیاسی تحت نام کمونیسم و کرد ناسیونالیست و اسلام گرای شیعه مخالف صدام حسین در پارکابی ابر جنایتکار آمریکا به نان و نوابی رسیدند... و غیره.

نتیجه همین سیاست شبه ترنسکیستی و چپ اندر قیچی است که این جریانات هم اکنون از "انقلاب اوکراین" و "جنبش مردمی" ضد روسی سخن می گویند که باید از آن دفاع نمود و در این بستر است که در مقابل مقاله تحلیلی توفان ارگان مرکزی حزب کار ایران در صفحه فیسبوک صف آرایی کرده و به فحاشی و پرت و بلاگویی پرداخته اند. این فرقه های عجق و وجق چون ریگی در کفش دارند با صدای بلند و شفاف تحریم و تجاوز به ایران، تجاوز به لبنان، سوریه و لیبی و فلسطین را محکوم نمی کنند، زیرا به "نفع رژیم جمهوری اسلامی" تمام میشود!!

با توسل به همین تئوری ارتجاعی است که دخالت امپریالیستهای غربی و در راستش آمریکا در امور داخلی کشورها از جمله در اوکراین را محکوم نمی کنند. این فرقه ها از تحلیل مسائل مشخص روز عاجزند و نمی خواهند ببینند که عراق و افغانستان و لیبی و سوریه... نه توسط روسیه و چین بلکه آمریکا و متحدانش ویران شده اند.

در اوکراین یک کودتای "دمکراتیک" با دخالت اتحادیه اروپا و آمریکا رخ داده است. عده ای جاهل فریخورده گوشت دم توپ شدند تا کشورشان به عضویت در پیمان نظامی ناتو و اتحادیه امپریالیستی اروپا نائل آید. توگویی نئولیبرالیسم اتحادیه اروپادش برای بیکاران و کارگران و زحمتکشان اوکراین سوخته است!!! این بوی آزادی نیست، بوی تعفن سرسپردگی و فاشیسم است. بررسی اوضاع اوکراین را تنها در متن اختلافات روسیه و اروپا و آمریکا دیدن و با یک مهر ساده نگرانه "نزاع امپریالیستی" گریبان خویش را از تحلیل و افشاء امپریالیستها رها ساختن، کافی نیست. در اینجا حق حاکمیت کشورهاست که به زیر پا گذارده می شود و امپریالیستهای غرب با آگاهی در این راه گام می گذارند. باید به این جنبه مسئله تکیه کرد و آنرا افشاء نمود. این خطرناکترین جنبه این پدیده است که در لیبی و سوریه و کوزوو... تکرار شده است. لیکن این فرقه های ضد انقلابی و ترنسکیستی از درک این مسائل عاجزند.

همه چیزها گفته شده اند، ولی چون گوش شنوایی نیست و شعار جای شعور و آگاهی و تحلیل را گرفته است، بحث به جایی نمی رسد. گفتیم موضوع فقط اوکراین نیست. عراق، افغانستان، فلسطین، لبنان، ونزئولا، سوریه و ایران هم هست. جریان منحنی و راست "ایران تریبونال" و به آلت دست تبدیل شدن امپریالیسم هم نیز مورد نظر است. شعار تکلیف روسیه چه میشود و زنده باد "جبهه سوم" نیز ورد زبان فرقه های رنگارنگ وطنی است بدون اینکه کوچکترین توضیحی در مورد عملکرد جبهه موهمیشان ارائه دهند.

مقاله توفان ارگان مرکزی حزب کارایران (تجاریبی آموختنی از رویدادهای اوکراین. ۱۴ اسفند ۹۲) به درس گیری و آموزش از تحولات اوکراین پرداخته و به اندازه کافی اوضاع را نقد کرده و براین امر تاکید داشته است که بزرگترین درس تاریخ از این تجربه این است، که بدون رهبری حزب طبقه کارگر، بدون مبارزه متشکل کمونیستی در تشکل واحد و بسیج توده های مردم، امکان ندارد بتوان بر دسیسه های امپریالیسم و دشمن طبقاتی فائق آمد. تجربه اوکراین نشان می دهد که ضرورت احیاء یک حزب کمونیستی (مارکسیستی لنینیستی) که از سنتهای انقلابی دوران رهبری رفیق استالین در جنبش کمونیستی، الهام بگیرد و آنرا سرمشق رژه پیروزمند خود قرار دهد، وجود دارد و احساس می شود. پیروزی بر نازی ها و دست راستی ها، پیروزی بر امپریالیستها و ارتجاع سیاه، که سنتا همه عوامل و ابزار قدرت و تتمه افکار عقب مانده را بیدک می کشند، بدون رهبری حزب طبقه کارگر که ستاد فرماندهی نیروهای انقلابی است، ممکن نیست.

آنچه در اوکراین روی داده است نه انقلاب بلکه یک کودتای فاشیستی و ضد دموکراتیک بر علیه مردم بوده که توسط آمریکا و اروپا مهندسی شده است. ضد انقلاب غرب مسیر حرکت قانونی مردم را به کجراه برد، رئیس جمهور و دولت قانونی این کشور را که در یک انتخابات دموکراتیک با رای مردم بر مسند قدرت نشستند، سرنگون ساخت و عده ای دست پرورده و وطن فروش و نئوفاشیستهای مدافع پیمان نظامی ناتو و اتحادیه امپریالیستی اروپا را روی کار آورد.

فرقه های ضد انقلابی و ترسکیستی وطنی نام کودتای آمریکایی در اوکراین را که برای توسعه مناطق نفوذش به دنبال جنگ و خونریزی است، انقلاب توده ها گذاشتند و بیشرمانه درکنار مهاجمان جنگ افروز غرب به سرکردگی آمریکا به وظایف ضد انقلابیشان عمل میکنند. حزب ما با تمام قوا علیه این فرقه های ضد انقلابی و شبه ترسکیست خواهد ایستاد و برای پاکیزگی مبارزه ضد امپریالیستی در جنبش دموکراتیک ایران از هیچ کوششی فروگذار نخواهد کرد.

نقل از فیسبوک توفان

۱۸ اسفند ۱۳۹۲

بحرانی که امروز در اوکراین بوجود آمده ریشه در توسعه نفوذ امپریالیسم غرب در جای پای ابرقدرت شوروی سابق دارد. آنها در پی محاصره روسیه از نظر نظامی و توسعه دامنه نفوذ پیمان تجاوزکارانه ناتو... هستند و می خواهند با فشار اقتصادی و نظامی به منابع عظیم ثروت دست نخورده سرزمین روسیه و محاصره چین دست پیدا کنند. امپریالیسم روس نیز به این سادگی به زیر بار خطری که در آستانه مسکو قرار دارد نمی رود و با اتحادیه گمرکی خود در مقابل قرارداد مناطق آزاد تجاری غرب و سازمان تجارت جهانی ایستادگی می کند. امپریالیسم غرب در شرایط امروز جهانی امپریالیسم مهاجم و خطرناک برای تهدید صلح در جهان است. کمونیستها در شرایط کنونی نمی توانند نسبت به این خطر بالفعل تحت این عنوان که "همه امپریالیستند" بی تفاوت بمانند. کمونیستها باید در این شرایط خطرناک جهانی از حق حاکمیت کشورها، از تمامیت ارضی آنها، از عدم مداخله در امور داخلی کشورها که به بهانه های گوناگون صورت می پذیرد، دفاع کنند. کمونیستها باید ریاکاری امپریالیستها در دفاع از "حقوق دموکراتیک"، "انتخابات آزاد"، "مبارزه با فساد"، "تحقق حقوق بشر"، "آزادی بیان و قلم"، "آزادی تویتر و فیس بوک و شبکه مجازی" و... افشاء کنند و نشان دهند که حقوق دموکراتیک به مثابه مفاهیم اجتماعی طبقاتی اند و امپریالیستها گزینشی از آن برای نیت شوم خود استفاده می کنند. در غیر این صورت امپریالیستها تیرنه می شوند، ریاکاری تبلیغاتی آنها برملا نمی شود و تجزیه اوکراین آغاز تجزیه سایر ممالک و افزایش خطر جنگ و فلاکت برای بشریت خواهد بود. کمونیستها واقعی در اوکراین باید برای تحقق این خواستها مبارزه کنند و مردم را بسیج نمایند. اوکراین برای مبارزه با هیتلر به استالین نیاز دارد.

گر باچف ضد کمونیست ادامه دهنده مشی ضد کمونیستی خروشچف

اخیرا پنج نماینده مجلس روسیه در نامه‌ای به دادستان کل این کشور خواهان محاکمه میخائیل گورباچف، آخرین رهبر شوروی سابق شده‌اند. این افراد گفته‌اند که آقای گورباچف به دلیل فروپاشی "اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی" باید محاکمه شود. اما خیانت به سوسیالیسم در شوروی با به قدرت رسیدن خروشچف آغاز شد. خروشچف از نظر اندیشه نماینده بورژوازی در درون حزب کمونیست اتحاد شوروی و دشمن سوگند خورده طبقه کارگر بود. وی با تجدید نظر در اصول اساسی مارکسیسم-لنینیسم و توسل به کودتا و سرکوب و جعل حقایق تاریخی در اتحاد شوروی و در درون حزب کمونیست بلشویک، توانست رویزیونیسم را که یک ایدئولوژی بورژوائی است، بر حزب کمونیست شوروی حاکم سازد، که تبعات آن تا فروپاشی شوروی ادامه داشت. بنابراین تمام رهبری حزب رویزیونیست شوروی که بدنبال خط و مشی رویزیونیستی و خائنانه خروشچف همراه شدند مسبب از هم پاشیدگی سوسیالیسم در شوروی هستند و باید محاکمه شوند. شکست و فروپاشی سوسیالیسم پس از کنگره های ۲۰-۲۲ حزب کمونیست شوروی آغاز شد و گرباچف ویلستین آن را به پایان بردند.

آنها که به نیروهای ماوراءالطبیعه و معجزه و شعبده بازی معتقدند و با ماتریالیسم تاریخی و دیالکتیک قرابتی ندارند، می توانند مدعی شوند که "ساختمان مستحکم سوسیالیسم" در شوروی یک شبه در اثر ورد و جادوی از ما بهتران و دستهای غیبی چون خانه ای مقوایی فروپاشید. سوسیالیسمی که به رهبری استالین و فداکاری خلق شوروی در طی دهه ها ساخته شده بود، نمی توانست یکشبه با ورد و جادو فروریزد. ریزش و فروپاشی آن بنای رفیع، محصول سالها تسلط رویزیونیسم و مجوف ساختن بنای سوسیالیسم در شوروی و در سطح جهان بود. ولی هستند کسانی که روش تحلیل صبورانه و غیرمتعصبانه علمی را نمی پذیرند و راه حلهای ساده و گذرا و بی ریشه را ترجیح می دهند. این سبک ذهنی تفکر قرابتی با مارکسیسم لنینیسم ندارد و بدتر از همه برای آینده نیز راه گشا نیست و تنها مرهمی بر زخمهای التیام نیافته و توجیه گرایی محض است. چنین برخوردی هیچگونه قرابتی با صمیمیت و مسئولیت کمونیستی ندارد.

بروز رویزیونیسم در شوروی بعد از درگذشت رفیق استالین بزرگترین ضربه ای بود، که به جنبش جهانی کمونیستی وارد شد و هنوز این جنبش نتوانسته از نقاهات دوران این بیماری جان سالم بدر برد. رویزیونیسم توانست سوسیالیسم را منحل کند و این نتیجه و محصول رویزیونیسم است. رویزیونیسم خروشچفی رویزیونیسم نوع جدید بود که در درون یک کشور سوسیالیستی شکل می گرفت و هنوز برای بسیاری کمونیستها ناشناخته بود. رویزیونیسم کهن در قالب سوسیال دموکراسی، رویزیونیسم شناخته شده ای بود که نمی توانست بعد از سالها مبارزه لنین و استالین علیه آن، کسی را فریب دهد. خروشچف تجدید نظر در اصول مارکسیسم - لنینیسم را با حمله به شخصیت استالین که مظهر و سیالیسم در شوروی و جهان بود، آغاز کرد. وی می دانست بدون مبارزه با دستاوردهای سوسیالیسم در دوران دیکتاتوری پرولتاریا، امکان ندارد بتواند سوسیالیسم را نابود سازد. مبارزه با استالین مبارزه با سوسیالیسم بود و هست. مبارزه با استالین یک خط مشی، یک برنامه، یک سیاست راهبردی حساب شده برای نابودی سوسیالیسم بود و نه جلوه دادن آن به مثابه خطاهای فردی و شخصی و یا ماجراجویی بیمارگونه دلچکی بنام خروشچف که گویا برکناری اجتناب ناپذیرش همه مشکلات را حل می کند.

سوسیالیسم دوباره برمی خیزد نه با پرچم ورشکسته خروشچفی و گرباچفی و یا ترسکیستی و سوسیال دموکراسی، بلکه با پرچم سرخ لنین و استالین

زنده باد مارکسیسم لنینیسم
زنده با استالین این بزرگترین مفسر لنینیسم و معمار سوسیالیسم

نقل از فیسبوک توفان

سخن هفته

شنبه ۲۳ فروردین ۱۳۹۳

http://www.bbc.co.uk/persian/world/2014/04/140410_an_russia_gorbachev_soviet.shtml***

رویزیونیسم ایدئولوژی ضد انقلابی و ضد کمونیستی بورژوازی در لباس مارکسیسم است

دخالت و قیجان در سوریه و اهمیت مبارزه با امپریالیسم

گلچینی از بحثها در فیسبوک توفان



موضوع بحث تجاوز امپریالیستی به کشورها و در اینجا بطور مشخص سوریه همچنان داغ است. آنها که درک صحیحی از مقوله امپریالیسم، حقوق ملل و دول و حق تعیین سرنوشتها خلقها بدست خودشان دارند، تاکنون فهمیده اند دلیل گسیل دهها هزار القاعده ای با پشتیبانی مالی و معنوی آمریکا و عربستان و قطر و ترکیه... برای سرنوشتی رژیم بشار اسد برای کدام اهداف استراتژیکی است و چرا ماهیتا با تجاوز نظامی به عراق و افغانستان و لیبی... تفاوتی ندارد. هنوز عده ای هستند که نفهمیده اند احزابی که نام کمونیست و چپ بر خود نهاده اند چرا سرنوشتی رژیم طالبان توسط آمریکا را مثبت ارزیابی کرده و بدنبال رهبر "حزب کمونیست کارگری منصور حکمت" روانه شده به ورطه دفاع از امپریالیسم در غلبه اند. متأسفانه همه این جریانها که سرپایشان را تئورهای ترسکیستی و اپورتونیستی فرا گرفته است مخالف شعار خروج بی قید و شرط متجاوزین از خاک افغانستان و عراق و لیبی... هستند و اگر احتمالاً در آینده تجاوز نظامی به ایران صورت گیرد این عده در پارکابی امپریالیستها "به سرنوشتی رژیم اسلامی" مبادرت خواهند کرد تا "رژیم سوسیالیستی" مطلوب خود را بر سریر قدرت نشانند!!!! عده ای نه درک درست از کاپیتالیسم دارند و نه مرحله انحصاری آن امپریالیسم را درست فهمیده اند. این بحث می تواند در زمان دیگر و در جای دیگری صورت گیرد. یکی از دوستان فیسبوکی که پرسشی مبنی بر اینکه نظر حزب کار ایران (توفان) در مورد تعریف و مقام امپریالیسم در شرایط کنونی چیست و چرا تا این اندازه به مبارزه ضد امپریالیستی اهمیت میدهد طرح نموده است که در اینجا بخاطر اهمیت مسئله کوتاه بدان پاسخ میدهم.

لنین دقیقترین و علمی ترین تعریف از امپریالیسم را در کتابش چنین فرموله کرد "۱- تمرکز تولید و سرمایه که به آنچنان مرحله عالی تکامل رسیده که انحصارهایی را که در زندگی اقتصادی نقش قاطعی بازی میکنند بوجود آورده است؛ ۲) در هم آمیختن سرمایه بانکی با سرمایه صنعتی و ایجاد الیگارشالی مالی بر اساس این «سرمایه مالی»؛ ۳) صدور سرمایه که از صدور کالا متمایز است اهمیت بسیار جدی کسب مینماید؛ ۴) اتحادیه های انحصاری بین المللی سرمایه دارانی که جهان را تقسیم نموده اند پدید میآید؛ ۵) تقسیم ارضی جهان از طرف بزرگترین دول سرمایه داری به پایان میرسد."

امپریالیسم آن مرحله از تکامل سرمایه داری است که در آن انحصارها و سرمایه مالی سیادت بدست آورده، صدور سرمایه اهمیت فوق العاده ای کسب نموده و تقسیم جهان از طرف تراستهای بین المللی آغاز گردیده و تقسیم تمام ارضی جهان از طرف بزرگترین کشورهای سرمایه داری به پایان رسیده است. امپریالیسم، بالاترین مرحله سرمایه داری است. ماهیت امپریالیسم هیچ تغییری نکرده و تعریف لنینی از این مقوله کاملاً صحیح و جهان شمول است.

امپریالیسم جهانی و در راس آن امپریالیست آمریکا بعنوان عمده ترین دشمن بشریت علاوه بر صاحب بودن ۴۰ درصد بودجه نظامی جهان، انواع و اقسام ترفندها از تحمیل سیاستهای اقتصادی نولیبرالی و مطابق الگوهای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، کنترل ششون تمام مردم جهان و حتا متحدین نزدیکش، تا لشکر کشی نظامی مستقیم و آشکار برای سلطه هرچه بیشتر بر کشورها، عقب نگاه داشته شده و یا مستقل و دمکراتیک و یا در حال توسعه به کار می گیرد. سلطه امپریالیسم بر این کشورها نه تنها نتیجه مثبتی به بار نیآورده و نمی آورد، بلکه مانع از تکامل طبیعی آنان میگردد و این ممالک را به نومسئمره خود بدل می سازد. تبعات این وضعیت فقر و فلاکت اقشار وسیعتری از مردم این کشورها، عقب ماندگی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آنان به همراه هزاران مشکل ریز و درشت و مهاجرت های میلیونی و غیرومی باشد.....

بدین رو مبارزه با امپریالیسم برای نیروهای انقلابی بطور مشخص مارکسیست لنینیستهای جهان به خصوص در ممالک توسعه نیافته با ثروتی غنی و اهمیت استراتژیک از اهمیت اساسی برخوردار است. در کشورهایی نظیر میهنمان ایران که هم اینک در معرض تحریم اقتصادی و تهدید نظامی امپریالیسم قرار دارند، مبارزه ضد امپریالیستی بعنوان عفریت خارجی و ناقض حقوق ملل حائز اهمیت است. در چنین شرایطی پیکار برای استقرار دمکراسی و حقوق بشر نمی تواند منفک از مبارزه ضد امپریالیستی باشد. مبارزه برای آزادی و حقوق دمکراتیک اگر منجر به همسویی و همخوابگی با امپریالیسم این عفریت خارجی گردد، راهی جز به سراب و ناکجا آباد نخواهد برد. آنها که از تجاوز به عراق و لیبی و افغانستان و سوریه در لفافه های مختلف دفاع کرده اند، عوامل امپریالیستند حتا اگر نام چپ را با خود حمل کنند.

دوستانی که علاقمند به آشنایی به مواضع سیاسی "حزب کمونیست کارگری منصور حکمت" از آغاز تا کنون هستند و چرا مقام امپریالیسم و جایگاه اقتصادی و سیاسی توسط این جریان ارتجاعی و ضد کمونیستی انکار گشته است می توانند به دوجلد کتاب تحلیلی

حزب کار ایران (توفان) در مورد ماهیت حزب کمونیست ضد کارگری ایران رجوع کنند. این کتاب را که شامل مقالات تحلیلی و اسناد غیر قابل انکار در ۴۵۰ صفحه است می توانید در لینک زیر تهیه و مطالعه فرمایند. این دو جلد کتاب باز هم بیشتر پرده از دفاع طلبی این جریان از امپریالیسم و صهیونیسم بر میدارد.

<http://toufan.org/Ketabkhaneh/H/%20kk/%20Hekmat/%20jeld/%201.pdf>.

جرزنی و خیانت پیشگی بس است!

شاه نوکر امپریالیست آمریکا بود، سلطنتش به گورستان تاریخ سپرده شد
(گلچینی از بحثها در فیسبوک توفان)



برخی از جریانات خود فروخته سیاسی برای تطهیر سیاستهای استعماری و ارتجاعی نوه رضاخان قلدر، رضا نیم پهلوی بی تاج و تخت میگویند «رضا پهلوی که نمی تواند مسئول سیاستهای پروپدیزرگش باشد. وی اساسا هنوز متولد نشده بود که کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ رخ داد..... آیا چنین برخوردی به شاهزاده رضا پهلوی بی انصافی و ضد دمکراتیک نیست؟»
ویا اینکه : «کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۲! خوب اتفاقا اندکی پیش از آن کودتا صورت گرفته بود، انحلال مجلس، فراری دادن شاه، سرپیچی از عزل خود.... البته از جانب مصدق! مصدق مجلس را منحل کرد بی آنکه از اختیاراتش باشد، از عزل خود- که خوب یا بد از اختیارات قانونی شاه بود- سرپیچی کرد. خوب این یک کودتا بود! اتفاقا بازگشت شاه به قدرت -باز هم اینکه خوب یا بد بود بماند- قانونی بود و برخلاف تحریفهای عمدی صورت گرفته، نه کار شعبان بیمخ بود و نه کار سیا. شاه یک پایگاه اجتماعی داشت که مصدق را فلج کرد. دوران پهلویهارا باید با دوران قاجار و نیز بادوران حکومت اسلامی مقایسه کرد. نه بی لیاقتی آنها بیشتر از شاهان قاجار بود، و نه فسادشان بیشتر از مسیولین نظام اسلامی....»

به این عوامل اجنبی باید گفت که رضا نیم پهلوی هم اکنون بیش از پنجاه سال سن دارد؛ همه زیر و بمهای خیانتهای پروپدیزرگ گماشته اش را خوب می شناسد و اگر اجنبی پرست نبود با محکوم کردن کودتاهای انگلیسی ۱۲۹۹ و ۲۸ مرداد ۳۲ دفاع از حقوق مردم بعنوان یک ایرانی دمکرات و ملی برای آزادی ایران و حقوق دمکراتیک مردم مبارزه میکرد.

روی سخن ما با همه شخصیتها و محافلی است که نه تنها پس از ۶۰ سال کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲ که هزاران سند مستند در این باره انتشار یافته و در آرشیو تمام کتابخانه های معتبر بین المللی برای تحقیق موجود است، درسی نیاموخته و گویا نمی خواهند از تاریخ برای آینده ایران بیاموزند بلکه با ساده انگاری و نادانی آب به آسیاب کسانی میریزند که سودایی جز احیای بساط سلطنت منفور پهلوی و سلطه استعمار در ایران ندارند..... منکر کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ در ایران شدن و به ریسمان روشنفکران خود فروخته دربار پهلوی آویزان شدن جهالت محض است. این درحالیست که خود ارباب یعنی امپریالیست آمریکا بطور روشن دخالت مستقیم خود در این عمل جنایتکارانه و استعماری را تأیید کرده است. به صاحبه بیل کلینتون رئیس جمهور اسبق آمریکا در مورد کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ توجه کنید!

کلینتون در یکی از نشستهای مجمع جهانی اقتصاد در داووس Davos سوییس در سال ۲۰۰۵ میلادی در رابطه با کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ چنین گفت: "آمریکا در سال هزار و نصد و چهل و یک فردی آزادیخواه و مردم سالار منتخب مردم آن کشور را سرنگون کرد و شاه را به حکومت باز گرداند." (کودتای ۲۸ مرداد در سال ۱۳۳۲ شمسی مطابق ۱۹۵۳ میلادی بود). رئیس جمهور پیشین آمریکا گفت: "هرچند بیان چنین مطلبی از سوی يك فرد آمریکائی مناسب نیست ولی این مطلبی است که به آن اعتقاد دارم." کلینتون گفت: "سپس آیت الله خمینی، شاه را سرنگون و ما را مجبور کرد به سمت صدام برویم."

کلینتون اعتراف کرد که "اقدامات تجاوزکارانه صدام حسین علیه ایران با پشتیبانی آمریکا صورت گرفته بود." آیا این بی اعتنایی و

بی حرمتی به ملت ایران و جعل و تحریف یک دوره از تاریخ سرنوشت ساز ایران نیست که کودتای خائنانه و استعماری را به نام قیام مردم علیه دکتر محمد مصدق جا بزینیم؟ در همین رابطه به سند زیر توجه کنید.

شاه خائن که همیشه از کودتای ۲۸ مرداد بنام روزنجات ملت ایران" سخن می راند. مجله فرانسوی" آبسرواتور در شماره ۱۷۵ مورخ ۷ سپتامبر ۱۹۵۳ می نویسد: روز ۲۸ مرداد ۳۰۰ نفر از گودالهای جنوب شهر تهران جمع آوری کردند و به هریک وجهی معادل پانصد فرانک نقد دادند و همچنین اجازه غارت که قوای نظامی و شهربانی در عقب و آنها در جلو مشغول کارشوند. "روزنامه "لوموند نیز از چکی به شماره ۷۰۳۳۵۲ به مبلغ ۳۲ میلیون تومان و کسری خبر میدهد که کسی از بانک ملی گرفته و مصرف روز "رستاخیز" رسانده است. کودتای ۲۸ مرداد که با همدستی آیت الله کاشانی، دربار فاسد پهلوی و شعبان بیمخها و مهدی سوسولها، ناصر جیگرکیها، روسپیان شهرنو و ارادل و اوباش به رهبری امپریالیست آمریکا صورت گرفت نه برای آزادی زنان بود و نه برای رفاه و آزادی و استقلال.... بلکه برای تصرف نفت و تبدیل ایران به پایگاه نظامی و به نیمه مستعمره تبدیل کردن ایران بود. هر عقل سلیمی می داند که اگر ایران بجای نفت تریچه تولید میکرد و به لحاظ جغرافیای سیاسی در منطقه دور افتاده و بی اهمیتی قرار میداشت چنین کودتایی محلی از اعراب نداشت و آمریکا ضرورتی براین امر نمی دید. تلاشهای سلطنت طلبان و بقایای دربار پهلوی پس از ۶۰ سال بعد از نشر دروغ و جعل تاریخ ایران و فریب نسل جوان، گویای ماهیت کثیف این خودفروختگان است که هنوز به سیاست نوکری اجانب و خیانت به مردم ایران وفادارند مانده اند.

درمورد آزادی زن در ایران و سواد آموزی و پیشرفت و ترقی به سندی بسنده میکنیم که شاه در مصاحبه با یکی از خبرنگاران آمریکایی درمورد برابری زن و مرد، هوش زنان را پست تر از مردان بیان داشت و آن را یک امر ژنیتیکی و ذاتی اعلام نمود. فیلم مصاحبه شاه درمورد آزادی زنان را ببینید و خود قضاوت کنید. درثانی نباید فراموش کرد که در زمینه آموزش و سواد آموزی همین بس که طبق آمار رسمی آن دوران درسالهای ۵۶ و ۵۷ خورشیدی قریب به ۵۰ درصد مردم بیسودا بودند. این درحالی بود که ۶ میلیون بشکه نفت روزانه تولید میشد و بخش اعظم پولش به جیب انحصارات امپریالیستی و دربار خائن پهلوی می رفت. جرزنی و خیانت پیشگی بس است! رژیم بهیمی جمهوری اسلامی محصول طبیعی " دروازه تمدن" رژیم منفور پهلوی است و جز این نیز نمی باشد. مبارزه مردم ایران برای کسب آزادی و حقوق دمکراتیک جدا از مبارزه با عفریت خارجی نیست و نخواهد بود.

مصاحبه خبرنگار خارجی با شاه و فرح درمورد زنان.

"معمولاً عقل زنان از مردان کمتر است"..... این فیلم دروغهای سلطنت طلبان و نوکران امپریالیست را که درمورد آزادی زن در ایران در دوران رژیم منفور پهلوی سخن می گیند بر ملا میسازد. بسند

<http://www.youtube.com/watch?v=gbDTi°jvY۲s>

باز هم سخنی درمورد ماهیت سازمان پلیسی "پیشگامان آزادی ملت ایران"



پروفایل جعلی (هنرپیشه هالیوودی) دبیر کمیته مرکزی سازمان تقلبی پیشگامان آزادی ملت ایران

در شماره ۹۳ توفان الکترونیکی چند اعلامیه درافشای سازمان پلیسی پیشگامان آزادی ملت ایران انتشار داده و پرده از ماهیت این جریان مافیایی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی برداشتیم و به اپوزیسیون ایران در این رابطه هوشیار دادیم. اکنون با انتشار نامه جعلی رهبر این سازمان تقلبی که از طریق شبکه فیسبوک به حزب ما ارسال شده است می پردازیم تا هموطنان را بیشتر با شگردهای مافیایی عوامل رژیم اسلامی در عرضه مجازی آشنا سازیم.

۱ - به نامه تملق آمیز و تعریف و تمجید "الهی سفر" (حمید مومنی) دبیر تقلبی سازمان پیشگامان آزادی ملت ایران در زیر که به به حزب کار ایران (توفان) ارسال شد توجه فرمائید! این نامه در پاسخ به سنوالی است که چرا این جریان مقالات توفان و رفقای هوادار را با حذف نام آنها بنام خود چاپ میکند:

syasi ye , man , va , kaili , az rofagayeman , ba , , rafiq e gerami , mikastam , begam , mavazeh ye
tofan hazb , dagigan , yeki , ast , man , ba , tamam , dostanam , aelam , , mavaze ye , shoma , va

ba arezo ye , ke , az , shoma , va , hazb , tofan , hamayat , ۱۰۰٪ dashteh , bashand , kardam
va , tofan , hazb , movafagiyat , bara ye , rofaga ye , roshan bin , manand , shoma
 "رفیق گرامی میخواستم بگم، مواضع سیاسی من و خیلی از رفقای من با مواضع شما و توفان حزب دقیقاً یکی است. من با تمام دوستانم اعلام کردم که از شما و حزب توفان حمایت ۱۰۰٪ داشته باشند..... با آرزوی موفقیت برای رفقای روشن بین مانند شما و حزب توفان. الهه سفر"

.....
 حال بنگرید به اعلامیه توضیحی حزب ما در این رابطه که خواب شیرین این جریان جعلی را تلخ کرد و آنها را به واکنشی وا داشت که هیچ نشانی از یک سازمان سیاسی نبوده است، آنهم سازمانی که دارای ۳۱ سال سابقه سیاسی و کمونیستی در ایران است!!..

چگونه ممکن است تا چند روز قبل از انتشار اعلامیه حزب کارایران (توفان) اینهمه تعریف و تمجید از حزب ما به عمل آورده اما بلافاصله بعد از انتشار اعلامیه حزب کارایران (توفان) مورخ ۱۶ مارس ۲۰۱۴، چماق هوا کرده دست به هر عمل نکوهیده و پلیسی زده اند تا حزب کار ایران را یک "سازمان افغانی" و به سازمان امنیت ایران به چسبانند!!!

۲- "سازمان پیشگامان آزادی ملت ایران" اعلام کرده است که در تاریخ ۱۹ بهمن ۱۳۶۲ بانسست ۹ نفر از رفقای جوان فدائی، که همه آنان جزو خانواده‌های اعدامیان و یاجزو خانواده‌های زندانیان سیاسی از طیف‌های مختلف سازمانها و گروههای فدائی بودند، ایجاد و از آن تاریخ به بعد به صورت مخفیانه به فعالیت خود ادامه میدهد". اما همین سازمان روزی بیست و هفتمین سالگرد تاسیس خود را به رخ این و آن میکشد و روز دیگر ۶ سال سابقه سیاسی خود را متذکر میشود!!!
 این تناقضات ناشی از این است، که این جریان یک جریان جعلی است و چون دانا دروغ گفته و کسی هم بدان توجه نکرده همین روش دروغگویی و کم حافظه‌گی را ادامه داده است. تا اینکه حزب ما مچش را گرفت و پته اش را رو کرد.

۳- در نوشته‌های سیاسی و "چپ" این جریان پلیسی نکاتی نظیر حکومت کارگری و شورایی، رابطه "سازمان و جامعه و قدرت سیاسی"، سوسیالیسم مشارکتی"... مشاهده میشود که بخش اعظم آن برگرفته از ادبیات سازمانهای سیاسی ایران است و پیر از تناقض. علیرغم این مواضع کج و معوج و تکه پاره و جعلی و دزدیده از دیگران، اما ابراز نزدیکی و تمایل صددرصد به مواضع حزب کارایران (توفان) نشان میدهد تا بلکه بتواند از این طریق در حزب کارایران (توفان) نفوذ نماید و به اهداف پلیدش برسد.

حزب ما با توجه به ترو رجنایتکارانه رفیق حمید رضا چیتگر (بهمنی) در سال ۱۹۸۷ و ضرباتی که کل اپوزیسیون ایران بویژه در خارج از کشور خورد شیوه‌های کثیف و ضد انسانی پلیس تبهکار اسلامی را در سطح داخلی برای اعضا و هواداران و برای جنبش به نقد کشید و در همان سالها اسنادی مبنی بر شگرد جمهوری اسلامی در قالب سازمان سازی و نامه نگاری تقلبی برای بدام انداختن نیروهای اپوزیسیون انتشار داد و به افشای بی امان تروریسم دولتی جمهوری اسلامی دست زد.

مبارزه افشاگرانه حزب ما امروز همان مبارزه دیروز ما علیه تروریسم دولتی جمهوری اسلامی است و همه دوستان و رفقا را به مطالعه جزوه افشاگرانه حزب که در قالب مصاحبه در مورد چگونگی ترور رفیق بهمنی انجام گرفته رجوع میدهم. این جزوه که حاوی نکات آموزنده و افشاگرانه فراوانی است می‌توانید از طریق کتابخانه اینترنتی توفان تهیه کنید.

باید هوشیار بود و با افشای بی امان این مزدوران عرصه را بر سازمانهای پلیسی رژیم تبهکار جمهوری اسلامی تنگ کنیم. این امر وظیفه تک تک رفقای آگاه و انقلابی و چپ و همه نیروهای مترقی و انقلابی در عرصه مجازی فیسبوک و سایر عرصه‌های مبارزاتی است که باید هوشیارانه عمل شود و پرده از رخسار این دیوصفتان درید.

نقل از فیسبوک توفان

سخن هفته

۱۱ فروردین ۱۳۹۳

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بدست مردم ایران!

توفان شماره ۱۷۰ اردیبهشت ماه ۱۳۹۳
ارگان مرکزی
حزب کار ایران منتشر شد.

رفقا، دوستان و یاران مبارز!

برای پیشبرد نبرد علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی، علیه رویزیونیسم و ضد انقلاب ترسکیسم و شبه ترسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کار ایران (توفان) کمک مالی کنید!

یارهای از انتشارات جدید توفان از سایت اینترنتی:

- * در افشای ماهیت "حزب کمونیست کارگری ایران" در دوجلد از انتشارات حزب کار ایران (توفان)
- * بر علیه عامیانه کردن شعار انتقاد از خود - استالین
- * گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره چهاردهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- * گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره پانزدهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- * جنبه بین المللی انقلاب اکتبر - استالین
- * مارکسیسم و مسئله ملی - استالین
- * ترسکیسم، ضدانقلاب در پوشش - م. ج. اولزین
- * سخنرانی و نطق استالین به مناسبت شروع جنگ کبیر میهنی
- * مانیفست حزب کمونیست - مارکس و انگلس
- * امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری - لنین
- * توطئه بزرگ کتاب سوم
- * توطئه بزرگ کتاب چهارم

در خطه حکمرانی اسرائیل اثر ارزشمندی از بهروز افراشته

سرزمین اشغال شده فلسطین توسط عزرائیل

ما خواندن این کتاب را به همه علاقمندان و پژوهشگران و مبارزین راه زادی و استقلال و سوسیالیسم توصیه میکنیم



آدرس سایتها و وبلاگهای مرتبط با حزب

www.toufan.org

[/http://www.kargareagah.blogspot.com](http://www.kargareagah.blogspot.com)

[/http://kanonezi.blogspot.com](http://kanonezi.blogspot.com)

[/http://rahetoufan۶۷.blogspot.com](http://rahetoufan۶۷.blogspot.com)

سایت کتابخانه اینترنتی توفان

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

سایت آرشیو نشریات توفان

http://toufan.org/nashrie_tofan/%۲۰archive.htm

توفان در توئیتر

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=t>

توفان در فیسبوک

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

دست امپریالیستها از ایران ومنطقه کوتاه باد!